

نقشمایه های مهری در نقوش تزئینی هنر ایران

دکتر سمانه (ثمین) رستم بیگی *

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۲۹

چکیده

در اساطیر نمادین ایرانی، روشنایی و نور بر آمده از گنبد آسمان است. آسمان چون گنبدی از سنگ تصور می شد که روشنی و نور از آن متولد شده است. از دیدگاه اساطیری، زاده شدن میترا از صخره سنگ، دگر دیسه شدن همین اسطوره است. این نماد به همراهی باقی نمادهای تصویری بر آمده از مفهوم و داستان های مهری که روزگاری منجی (سوشیانس) مردمان ایران زمین به شمار می رفته، در طول تاریخ تغییرات فراوانی یافته و به شکل های متنوعی در بستر تاریخ نمادین و تصویری این مرز و بوم ظهوری چندباره داشته است. در این مقاله نشانه ها و ردپای این دین چندین هزار ساله که گسترشی جهانی نیز داشته، از نظر تصویری و مفاهیم مستتر در آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. چرا که آیین مهر یکی از آیین هایی است که تصاویر نمادین به عنوان زبان بصری در انتقال مفاهیم و مبادی این آیین و پیروان آن به کار رفته و در طول زمان گاه این تصاویر با همان معانی مستتر در آن ها حفظ شده و سده های بعدی با تغییراتی در همان شیوه و با مفهوم گسترده تر مورد استفاده قرار گرفته اند. بررسی طبقات هفت گانه مهری و نمادهای تصویری همراه با، مبنای مطالعه تطبیقی این پژوهش بوده و با استناد به مدارک و پژوهش های اسطوره شناسی، تاریخ ادیان و ایران باستان و به ویژه منابع نزدیک به آن از جمله اوستا این نمادها از منظر مفهومی معرفی شده و سپس ردپای نقش های نمادین مهری در هنر ادوار مختلف ایران جست و جو و نمونه های مرتبط با آن بررسی شده است. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی و با رویکرد تطبیقی میان مفاهیم مهری و نمادهای تصویری آن با نقوش ادوار مختلف هنری ایران تنظیم گردیده و نتیجه آن عبارت است از:

- ۱- نقوش متعددی از سنت مهری در هنر ادوار بعد هنر ایران دیده می شوند.
- ۲- البته نقوش فوق حامل همان مفاهیم مهری نیستند.
- ۳- تعدادی از نقوش در ادوار بعد به دلیل تعارض با باورهای جدید حذف می شوند.
- ۴- نقوش مهری در ادوار بعد به صورت تزئینی به کار گرفته شده اند.

واژگان کلیدی

نمادهای مهری، نقوش تزئینی، آیین مهر، هنر ایران، دوره اسلامی.

مقدمه

در طول تاریخ ایران، ادیان مختلف تأثیرات بسیاری بر فرهنگ این مرز و بوم داشته‌اند. بخشی از این تأثیرگذاری‌های فرهنگی به جهت ویژگی‌های اقلیمی سخت و شرایط دشوار زندگی، و بخش دیگر به جهت انگیزش‌های فکری و روانی مردم ایران در جهت یافتن یک قهرمان (منجی) شکل گرفته و هر دو زمینه باعث شده تا جست‌وجو برای یک استدلال و یا توجیه ماورایی برای یافتن حقیقت این عالم، فضای تعامل و تبادل اندیشه‌ها در حوزه جغرافیایی را گسترش دهد.

در این میان دین مهری^۱ یکی از تأثیرگذارترین و گسترده‌ترین ادیان در سرزمین ایران است که این گستردگی هم به دلیل جغرافیایی و به هم به سبب تاریخی حایز اهمیت می‌باشد. پیش از ظهور مسیح این آیین در گستره سرزمین‌های غربی به ویژه اروپایی پیروان بسیار داشته است. پس از رو آوردن امپراطوری روم به مسیحیت به شدت با پیروان مهری برخورد شد و تصمیم بر نابودی این آیین گرفته شد که اسناد تاریخی آن موجود است. (ورمازرن، ۱۳۷۵، ۳۴)

اما آن چه اهمیت دارد حضور مناسک، نمادها و مفاهیم مستتر در دین مسیحیت اغلب ریشه در آیین مهری دارند و عمق پیوند میان این دو رامی رساند. نفوذ آیین مهر در سرزمین‌های غربی و بقای ریشه‌های آن در مسیحیت گویای پایگاهی محکم در مبانی میترائیسم است و از آن جا که سرزمین ایران خاستگاه این آیین باستانی است لذا این مقاله بر آن است تا با تکیه بر ریشه‌های آشکار و پنهان میترائیسم در حوزه اساطیری به معرفی تجلیات آن در نقوش ادوار بعدی بپردازد. روند تغییر نقوش در ایران پیش از اسلام و بعد از آن به عنوان محدوده اصلی بررسی نقوش در نظر گرفته شده اما مصداق‌هایی از نقوش خارج از این حوزه جغرافیایی نیز جهت تکمیل ادعای تقدم نمادین و اساطیری میترائیسم در این پژوهش آورده شده است. هدف اصلی مقاله، پاسخ به این پرسش است که نخست کدام نمادها و تصاویر مهری در ادوار بعدی تکرار و یا بازآفرینی شده‌اند؟ و این که آیا مفاهیم نمادین آن‌ها ثابت مانده و یا دچار استحاله و دگردیسی شده‌اند؟ در این مقاله تنها آثاری به عنوان نمونه آورده شده که دقت در آن‌ها می‌تواند پاسخ‌گوی سؤال مورد نظر باشد. انتخاب این تصاویر هم از میان آثار پیش از اسلام و هم پس از آن آورده شده که تنها اشاره‌ای کوچک است به هزاران نمونه‌ای که در حوزه‌های مختلف هنر ایران موجود است.

تاریخچه مهر و میترا در ایران و گسترش آن در دیگر سرزمین‌ها

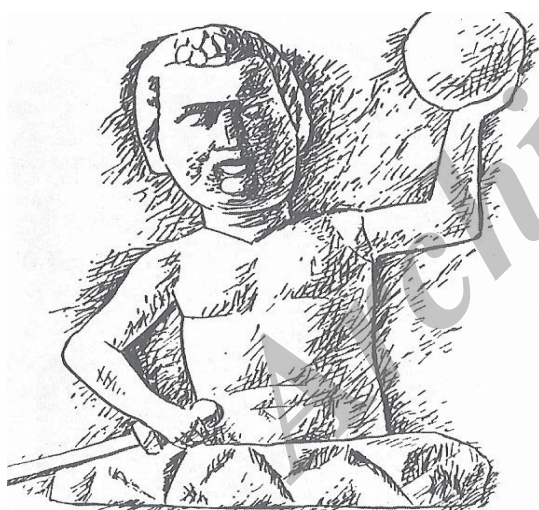
ایرانیان بیش از سه هزار سال است که شب یلدا را جشن می‌گیرند و این شب زنده داری و جشن، جزء یکی از رسوم متعدد آن‌ها است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد آریایی‌ها از دوران باستان این شب

۱- «مهر» پهلوی: Mihr، از ایزدان کهن هندو ایران است که در اوستای تازه از اهمیت بزرگی برخوردار می‌شود و به محور قدرت در جهان خدایان تبدیل می‌گردد. یشت دهم اوستا از آن اوست. مهر در اصل ایزدی است شریک در فرمانروایی جهان، برکت بخشنده و حامی پیمان. سپس در اثر تحولات اجتماعی، این ایزد در جامعه ایرانی تبدیل به ایزد همه طبقات می‌گردد و در کنار وظایف قبلی، حمایت او از پیمان توسعه یافته و در نتیجه، مهر تبدیل به ایزدی می‌شود که حامی هر سه طبقه سنتی جامعه است. (بهار، ۱۳۸۱، ۸۰) هنگامی که این آیین به اروپا راه می‌یابد واژه مهر به لفظ میترا تغییر می‌یابد.

۲- (سوشیانت - سوشیانتس) پهلوی و فارسی در اوستا: Saosyant، صفتی است که برای سومین فرزند نجات بخش زردشت به کار رفته است. واژه اوستایی آن به معنای کسی است که تقوای تن یافته باشد و واژه پهلوی آن به معنای سودبخش و نجات بخش می‌باشد. از همین معنا برای مهر و سپس برای عیسی استفاده شده است. (بهار، ۱۳۸۱، ۲۷۹)



تصویر ۱- زاییده شدن مهر به صورت برهنه از میان گل نیلوفر، فرانسه، ماخذ: مقدم، ۱۳۸۰، ۱۲۸



تصویر ۲- تصویر مهر با کره و خنجر در دست، از دیپورگ آلمان ماخذ: مقدم، ۱۳۸۰، ۱۳۱

را گرمی می‌داشتند و این شب را شب «تولد مهر» می‌دانستند و بعدها در میان پیروان زرتشت این اعتقاد دیده می‌شود که در این شب «سوشیانتس»^۲ (منجی) به دنیا می‌آید. «یلدا» نیز واژه سریانی و به معنی «تولد» است. بررسی‌های انجام شده دال بر آن است که شب موصوف به یلدا، مفاهیمی همچون زایش، تولد، آفرینش، آمدن، ظهور و پدیداری را با خود به همراه داشته و با مترادف‌هایی از این دست ارتباط مستقیم دارد. (آموزگار، ۱۳۸۷، ۲۹)

شب نشانه تاریکی اهریمنی و روز نشانه روشنی

هرچند قرن ها بود گمان می رفت دین مهری یک آیین رازآمیز است که از آیین های «بغ»^۱ (یا ایزد مهر باستانی که در میان ایرانیان و مردمان خویشاوند پرستیده می شد) سرچشمه گرفته باشد. از این رو برای نام گذاری آن عنوان هایی مانند: «کیش مهری سکائی مادی شده» یا «کیش مهریاخیر» پیشنهاد به کار برده می شد تا این که ذبیح ... بهروز در کتاب تقویم تاریخ در ایران، از رصد زردشت تا رصد خیام، زمان مهرومانی، نشان داد که «کیش مهری اخیر» که پانصد سال دین رسمی شاهنشاهی اشکانی و امپراطوری روم بوده با ظهور شخصیت تاریخی مهر آغاز شده است». (مقدم، ۱۳۸۰، چهارده)

«میلااد مهر، چنان که در نوشته های تاریخی آمده است، ۶۵ سال پس از سلطنت اسکندر در سال ۳۳۶ پیش از میلاد بوده است (در برخی روایت ها این سال تحت عنوان پیروزی او بر بابل یا به تخت نشستن او آمده است). به روایتی دیگر نیز تولد مهر را در ۲۷۲ پیش از میلاد می دانند که مطابق با پنجاه و یکمین سال سلطنت اشکانیان بوده است.

آمده است در روز آدینه پنجم فروردین ماه، مادر مهر نوید می یابد و پس از ۲۷۵ روز «مهر» در نیمه شب میان شنبه و یکشنبه سوم و چهارم دی ماه برابر با ۲۴ و ۲۵ دسامبر یعنی درست در روز تولد مسیح متولد می شود. پیش از آن که تاریخ راستین مهر پیدا شود گمان می کردند که میلاد مهر مطابق «زایش خورشید» و بازگشت آن از جنوب و آغاز زمستان است». (مقدم، ۱۳۸۰، ۹۴)

«تولد مهر، با توجه به توصیف هایی که شده متفاوت از یک تولد طبیعی است و از این رو پدیده ای اساطیری، و در واقع امری شگفت است. صخره ای بار می گیرد و میترا از دل آن صخره زاده می شود، نباید پنداشت که مهر از سنگ زاییده شد بلکه زاده فروغ است که از سنگ بیرون می آید. بیرون آمدنش از دل سنگ یا نیلوفر، با برهنگی است». (تصویر ۱)

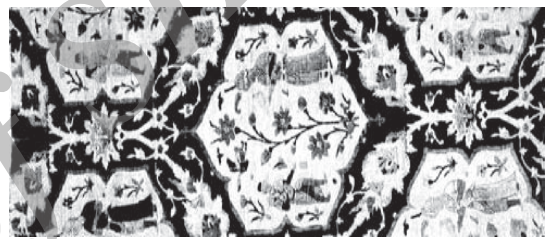
در تصویر دیگر مهر در حالی که کلاه شکسته مهری بر سر و در دستی خنجر و به دست دیگر مشعل دارد، تصویر شده است. نقاشی ها و نقش های برجسته فراوانی از این صحنه وجود دارد که نشان می دهد مهر مولودی است که تاریکی ها را می زداید و روشنی می بخشد. او با مشعل به این جهان قدم می گذارد و خنجر نمادی است از جدال او با تاریکی ها.

در برخی نقش ها نیز شاهدیم میترا از میان صدف بیرون آمده و نقش برجسته هایی هم او را بعد از تولد هنگامی که شمشیر، مشعل و چیزهای دیگری به دست دارد نشان می دهند که همه نمادین هستند. مشعل نشان روشنی و معرفت تراویده از زایش مهر است که تا اعماق تاریکی ها را می شکافد و روشنی می بخشد». (رضی، ۱۳۷۱، ۱۴۵)

هنرمندان پیرو دین مهر باور داشتند مادر مهر در آب از زردشت بارور شده است و گاه او را که از سنگ باشراره های آتش



تصویر ۳- تصویر قربانی کردن گاو در یک مهرابه —————
Layard, 1847, 32



تصویر ۴- نقش برگ انجیر در وسط، پارچه مخمل با نخ های ابریشمی و طلا، صفوی، ۱۶ م، موزه متروپولیتن ماخذ: www.cais-soas.com



تصویر ۵- حضور کلاغ در مراسم مهر، ماخذ: مقدم، ۱۳۸۰، ۱۲۸

ایزدیست. چون شب یلدا بلندترین شب سال است که پس از آن روزها طولانی تر می شوند و روشنی بر تاریکی چیره می گردد، از این رو شب آغاز زمستان را «زاد شب ایزد فروغ» پنداشته اند که سالیان دراز است ایرانیان آن را جشن می گیرند.

«دین مهر سراسر امپراتوری روم باستان را فرا گرفته بود و یادمان های آن هر سال در سراسر اروپا و آسیا به ویژه در شرق ایران (خاصه در قلمرو پادشاهی کوشان) دیده می شد. این جنبش فراگیر در سده سوم پیش از میلاد آغاز و پژوهندگان در پی یافتن علل پیدایش آن هستند.

۱- (بغ) فارسی باستان бага. هم معنی واژه yazata در اوستا، бага در اوستا به معنای سهم و اقبال و در سنسکریت به صورت bhaga به معنای بخشاینده اقبال و در متن های کلیسای باستانی اسلاوی به صورت bogu به معنای خداست. همچنین نام ایزدی است که خوشی و شادی را تقسیم می کند بر گردان واژه های بغ (bagh) و بک (bak) در زبان پهلوی به معنای «خدا - سرور - شاه» می باشد. (بهار، ۱۳۸۱، ۱۴۹)



تصویر ۷. نماد مقام دوم، پوشیده یا نامزد، مهرابه اوستیه ماخذ: (مقدم، ۱۳۸۰، ۱۹۸)



تصویر ۸- تصویر بالا مقام سوم و تصویر پایین نماد مقام چهارم، شیرمرد، ماخذ: همان، ۱۹۹

تیموری مشاهده کرد.

در اساطیری که داستان تولد مهر بیان شده، چنین آمده «میترا چون زاده شد، ابتدا با برگ های درخت انجیر خود را پوشانید و با خنجری که داشت از میوه های آن درخت تغذیه کرد تا برومند و نیرومند شد». (همان، ۱۴۳) استفاده از شکل برگ انجیر در نقش پردازی هنرهای مختلف از جمله فرش، پارچه، نقوش تزیینی در معماری و غیره چه به صورت منفرد و چه در ترکیب با نقوش دیگر گیاهی به



تصویر ۶- نماد مقام اول، کلاغ، مهرابه اوستیه

متولد شده در حالی که در یک دست گوی و به دست دیگر خنجری دارد، نشان می دهند و به نظر می رسد بر خلاف روایت هایی که مطرح شده، این گوی استعاره از خورشید و نشانی از فرمانروایی او بر جهان است. (تصویر ۲)

«هنگامی که مهر زاده می شود، دو چوپان برای پرستش وی می آیند که آن دورا «کوتس»^۱ و «کوتوپاتس»^۲ می نامند که دو طرفش با دو مشعل ایستاده اند. یکی مشعلی سوی آسمان گرفته و دیگری مشعلش به سوی زمین سرازیر است. (تصویر ۳) بیرون آمدن میترا از دل سنگ اشاره به تولد خورشید است. آن که مشعل سوی آسمان دارد کنایه از طلوع و آن که مشعلش به سوی زمین سرنگون است، کنایه از غروب است». (رضی، ۱۳۷۱، ۱۴۶)

«در اساطیر نمادین ایرانی، روشنایی و نور بر آمده از گنبد آسمان ها است. آسمان چون گنبدی از سنگ تصور می شد که روشنی و نور از آن متولد شده است. از دیدگاه اساطیری، زاده شدن میترا از صخره سنگ دگر دیسه شدن همین اسطوره است. این صخره سنگ زاینده به صورت استعاری در مهرابه ها مورد ستایش قرار می گرفت و به روی چنین صخره سنگ هایی، زایش مهر را نقش می کردند که در کنار رود آبی و در سایه درختی متولد می شود. این زایش از میان سنگ همانا بیرون آمدن فروغ از میان گنبد سنگی آسمان است که حکایت از طلوع می کند». (همان، ۱۵۱)

«در اساطیر و یزدان شناسی ایرانی، مهر میانجی است. میانجی میان آسمان و زمین و به نوعی میانجی میان خدایان و مردم». (رضی، ۱۳۷۱، ۱۵۶)

در آیین میتراپی آسمان ها به هفت مقام تقسیم می شدند و هر طبقه ای به یکی از سیارات مربوط می شد که به روی هم قرار داشتند و سرانجام به طبقه هشتمین منتهی می شد. چنانچه در ادبیات عارفانه که خود تحت تاثیر آیین های پیش از اسلام است نیز «اقلیم هشتم»^۳ بر فراز هفت طبقه آسمان قرار دارد که جایگاه نور محض و روشنایی بی پایان است. در دوره های بعد از اسلام نیز وجود مفاهیم متعلق به هفت طبقه آسمان را می توان در اشعار شاعرانی همچون عطار نیشابوری و تصاویری مانند نگاره ها به ویژه در دوران

Cotes - ۱

۲- Cotopates: این روایت در آیین مسیحی داخل شده چنان که دو ستاره شناس و منجم ایران تولد مسیح را رصد می کنند و سپس به بیت اللحم می روند. (ورمازرن، ۱۳۷۵، ۵۸)

۳- دینانی معتقد است: این عالم فراتر در ذهن و زبان سهروردی، «ناکجا آباد» است زیرا هر گونه اشاره حسی و مکانی در مورد آن بی معناست. به عبارت دیگر این اصطلاح هرگونه تعیین مادی را از آن عالم علوی سلب می کند و جایگاه آن را فراتر از عالم مثال، مدلل می سازد. شیخ اشراق در پایان حکمت الاشراقدر بابی تحت عنوان فصل در احوال سالکان از اشراق پانزده نور بر جان سالکان سخن می گوید انواری که اولیاء پس از جدایی از کالبدهای جسمانی بر جانیشان می تابد. تابش این انوار بر جان عاشقان و عارفان آنان را به سستیغ بلندی از معنای رساند که سهروردی خود آن را اقلیم هشتم می نامد. ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹، ۶۷

۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰) در سه مرحله کلاغ، نامزد و جنگی، فرد را با اسرار آشنا نمی کردند. آشنایی با اسرار، آغازی بود برای رسیدن به چهار مرحله بالاتر و این مقدمه صعود به مراحل متعالی سیر و سلوک است. زیرا مهری شدن و بالا رفتن از پله های هفتگانه را راهی برای انسان شدن و تکامل می دانستند. اما هر کدام از این اشکال نماد چه هستند؟

مراحل هفت گانه مهری

۱- کلاغ

«مقام اول که مقام خدمت گزاران مهربانه است. این افراد زیر نظر پدر مقدس پس از طی مراحلی به جرگه مومنان می پیوستند» (رضی، ۱۳۷۱، ۳۴۶) (تصویر ۵ و ۶)

«در اغلب باورها به عنوان قهرمانی خورشیدی و اغلب به صورت خدا یا پیک خدا، راهنما، و یا حتی راهنمای ارواح در سفر آخرشان ظاهر می شود، که در این حالت نقش هادی ارواح را دارد. او بدون آن که گم شود در راز ظلمت ها نفوذ می کند. کلاغ در عین حال نمادی از تنهایی است، یا بیش از آن نشان گر انزوای عمدی کسی است که تصمیم گرفته در جایی بالاتر زندگی کند که این امر همانا پا گذاشتن در سیر و طی طریق مهری را نشان می دهد که کمر به انزوا و چله نشینی برای رسیدن به مراحل بالاتر بسته است. از مفاهیم دیگر کلاغ می توان گفت در چین نمادی است از پرنده خورشید، در ژاپن پیک الهی و نمادی از حق شناسی از والدین (چرا که کلاغ پدر و مادر خود را تغذیه می کند)، در یونان نمادی از خورشید، در افسانه های سلتی نقش پیش گو، در میان مایاهای آمریکا خداوند صاعقه و در بین آفریقاییان راهنما و روح حامی است» (گربران، ۱۳۸۳، ج ۴، ۵۸۲)

در قرآن نیز در آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره نسا به یادگیری مراسم تدفین از کلاغ توسط قابیل اشاره شده و همانا بر خردمندی، پیام آوری و راهنما بودن این پرنده در پنهان کردن خطای انسان گناهکار تاکید شده است. اما از آن جا که یاد او در ادیان همراه با مراسم تدفین است از این رو احتمالاً بعدها نزد ایرانیان به عنوان پیک مرگ شناخته شده و از تصویر آن کم تر استفاده شده است.

۲- نامزد یا پوشیده

«با انجام یک سری کارهای دشوار کلاغ می توانست به مقام نامزدی برسد. یکی از کارهای سختی که باید انجام می شد تا شخص به درجه نامزدی برسد خاموش ماندن بود. علامت مخصوص او مشعل و چراغ می باشد. عنصر آب عنصر ویژه نامزد بوده است. نامزدان از جنس مذکر بودند (زنان حق شرکت در مراسم رانداشتند) و به دستگیری پدر به عقد میترا در می آمدند. آن طور که از ظواهر امر بر می آید این ازدواج ماهیت عرفانی داشته و مانع همسری واقعی نمی شده است. در واقع نامزدان میترا، رازداران آیین میترا بودند» (رضی، ۱۳۷۱، ۳۴۵) (تصویر ۷)



تصویر ۹- بالا، نماد مقام پنجم، پارسی. ماخذ: همان، ۱۹۹، تصویر پایین نماد مقام ششم، خورشید ماخذ: همان، ۲۰۰



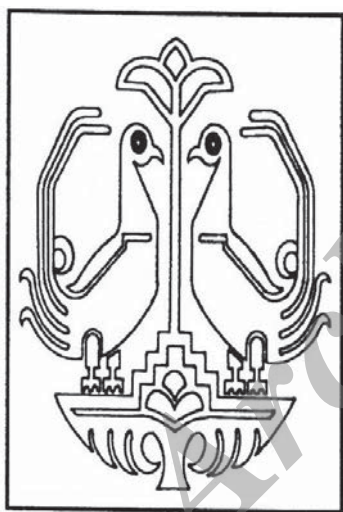
تصویر ۱۰- نماد مقام هفتم، پدر، ماخذ: همان، ۲۰۱

ویژه در دوره اسلامی، در سده های مختلف بسیار دیده شده است. در تصویر ۹ می توان شکل تغییر یافته این برگ را در تلفیق با انواع نقوش گیاهی و هندسی مشاهده کرد.

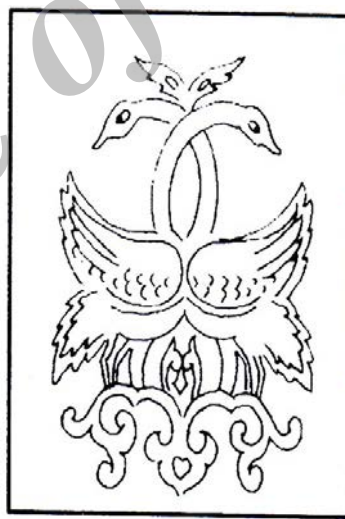
طبق قوانین دین مهری هر پیرو کیش مهر که به تازگی در این جرگه درآمده بود باید در آزمونی هفت مرحله ای شرکت می جست تا بتواند به مقام رهبری مردم برسد. این هفت مرحله به نام هفت پله مهری یعنی کلاغ، نامزد، جنگی، شیر، پارسی، مهرپویا و پدر معروف اند. (تصاویر ۵،



تصویر ۱۱- نمونه فرش از تهران. کلکسیون شخصی Giancarlo Cobeli, ۲۰۰×۳۱۰ cm. ماخذ: برگامو sabahi, 2007, 244



تصویر ۱۳- نقش پرینان ساسانی دوره ساسانی ماخذ: تذهیبی
۳۲، ۱۳۷۴



تصویر ۱۲- نقش قودر ترکیب با نقوش هندسی ماخذ: تذهیبی،
۲۴، ۱۳۷۴

۳- جنگی یا سرباز

از این مرحله عضویت در جمع مهرپرستان رسمی می‌شد. گویا اغلب مهرپرستان تا این درجه بالا می‌آمدند. «در انتهای مراسم به شخصی که می‌خواست جنگی شود تاجی که در انتهای شمشیری آویخته شده بود پیشکش می‌کردند. او این تاج را نمی‌پذیرفت و می‌گفت که مهر تاج سر من است.

گویا داغ مهر را در همین مرحله بر چهره مهرپرست می‌زده‌اند. علامت مخصوص او توبره و نیزه و کلاه خود است. عنصر خاک عنصر مخصوص جنگی بوده است.» (همان، ۳۴۷) (تصویر ۸)

۴- شیر یا شیر مرد

شیر با آتش ارتباط دارد و نمادی از خورشید به غایت درخشان است، شیر به معنای سلطان حیوانات و سرشار از فضایل و رذایل ناشی از مقامش یعنی در عین قدرت و عقل و عدالت، دارای غرور و خودپرستی است که مابین این دو قطب، مفاهیم بی شماری نهفته است. در این مرحله آزمون فرد مهری دیگر مربوط به تحمل ریاضات و شکنجه های بدنی نبوده و او خود قدرت فهم اسرار را یافته است. او نماد پدر، معلم و یا شاهی است که از شدت قدرت می‌درخشد و در عین حال مستبد و جبار است. شیر در عین حال در همه فرهنگ ها به جهت در برداشتن معنای حامی و پدر نمادی از



۱۶. فلزکاری مریوز به اواخر دوره ساسانی - اوایل اسلام، موزه متروپولیتن، ماخذ: تصویر www.cais-soas.com



تصویر ۱۴- پارچه از سده ۸-۹ میلادی با نقش خروس، محل نگه داری: موزه واتیکان، ماخذ: تصویر www.cais-soas.com



تصویر ۱۵. نمونه فرش از تهران 271×345 cm دوره قاجار، ماخذ: SABAHİ, 2007, 324

وضوح مشاهده کرد که چگونه شکست ناپذیر بوده و در صورت از بین رفتن یک سرباز، فرد دیگری جایگزین شده و هرگز جای او خالی نمی ماند از این رو «سپاه جاویدان» نام گرفت. (شهبازی، ۱۳۸۱) یکی از نشان های ویژه پارسی هلال ماه و داس است که هر دو با کشاورزی در ارتباط است و در واقع پارسی از نتیجه کار میترا (قربانی گاو - رویدن گیاه) با داسش تامین معاش می کند.

۶- مهر پویا یا خورشید

«که علامت ویژه او تازیانه و هاله و مشعل است. «مهر پویا» نماد خورشید است». (رضی، ۱۳۷۱، ۳۶۰) خورشید که مظهر نور است در همه آیین ها و نزد اغلب تمدن ها مورد احترام زیاد بوده و نمونه های تصویری آن را به وفور می توان یافت. (تصویر ۹)

۷- پدر یا پیر

«یا مرحله آخر که والاترین نماد مهری است و نشان می دهد فرد کلاه مهری به سر گذاشته و «پدر یا پیر» نامیده می

بزرگان دینی است. به عنوان مثال «مسیح» «شیر یهودا» بودا «شیر شاکیه» و حضرت علی «شیر خدا» لقب داشتند که به معنای اقتدار و نیروی شکست ناپذیر آن ها است. شیر نماد عدالت و ضامن قدرت های مادی و معنوی بود و از این رو مرکوب و تخت بسیاری از شاهان و خدایان بوده است، همچون تخت سلیمان، تخت شاهان فرانسه یا اسقفان قرون وسطی و غیره. شیر همچنین نشان گر برج اسد و نشانه فصل تابستان است که در نقش برجسته شیر گاوشکن به آن اشاره خواهد شد. (تصاویر ۱۱، ۱۵، ۱۸)

۵- پارسی

به معنای کسی است که به درجه سربازی و نگاهبانی از دین رسیده است. سربازان ستون های لشکرند و می بایست همچون اعضای یک بدن به صورت یکپارچه در کنار یکدیگر به محافظت از آن چه که دارند در برابر بیگانگان بپردازند. (رضی، ۱۳۷۱، ۳۵۸) (تصویر ۹) این اهمیت نماد سرباز پارسی را می توان در سپاه جاویدان هخامنشی به



تصویر ۱۸- جدال شیر با گاو، راه پله تالار آپادانا، ماخذ:
خوردشیان، ۲۳، ۱۳۹۰



تصویر ۱۷- ماخذ: Layard, 1847, 34

شود. در واقع از این زمان به بعد او به رهپویان راه رانشان داده و به نوعی مراد مریدان و راهنمای آنان می گردد. این کلاه مهری همان نشان پادشاهی و تاجی است که پادشاهان بر سر می گذارند و راهنما و تصمیم گیرنده ملت ها می شوند» (همان، ۱۴۶) که نظیر آن در نقش برجسته های هخامنشی و ساسانی در نقش رستم، بیشاپور، تخت جمشید و غیره دیده می شود. (تصویر ۳۱) «از این رو نماد مهم دیگر مهری، کلاه مهری و خورشید است که از نمادهای برجسته مهر و پیروان اوست. در بعضی از نقش ها، مهر کلاهی با پرتو خورشید دارد یا تنها گرد سرش با پرتوهای خورشید تزیین گشته است و در بعضی دیگر کلاهی که سر آن کج می باشد، بر سر دارد. (مقدم، ۱۳۸۰، ۳۱) (تصویر ۱۰)

نقش های پرندگانی چون شاهین، کیوتر، قو، خروس، غراب و طاووس و جانورانی چون گاو، شیر (که اشاره شد)، سگ و خرفستران چون مار، کژدم، و گیاهان و میوه ها چون رز و خوشه انگور و انار، نماد دو کلید که اکنون نشان دولت و اتیکان است نیز در نقش ها و صحنه های مهری دیده می شوند. از جمله این نقوش که در هنرهای تصویری ایران حضوری فراگیر دارند می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

عناصر و نمادهای مرتبط با مهر قو

«این پرندۀ سفید و بدون لکه، تجسم زنده نور و سفیدی است که مجموعه عظیمی از اساطیر، پیرامون آن وجود دارد. «هی دانیم دو نوع سفیدی و نور وجود دارد. سفیدی روز که با خورشید و مرد، و سفیدی شب که با ماه و زن معنا می یابد. اما قو تجسم کدام یک از این دو سفیدی است، نمادهای آن به دو جهت مختلف تمایل پیدا می کند. اگر این دو سفیدی از هم تفکیک نشوند و ترکیب آن ها در نظر گرفته شود، آن گاه قو، نر- ماده (دوجنسیتی- هرمافرودیت) تلقی شده و از رازورزی قدسی سرشار می شود و همان طور که خورشید سیاه و اسب سیاه نیز وجود دارد، قوی سیاه نیز وجود دارد که نه تنها غیر قدسی نیست، بلکه مملو از



تصویر ۱۹- نگاره ای از کتاب خاوران نامه- ترکمن های شیراز
حدود ۵۸۱ق. ماخذ: پاکبان، ۱۳۷۹، ۱۰۰

نمادگرایی سری و خفی اما در جهت عکس قوی سفید است. البته در بسیاری مواقع قو، نور مذکر، خورشیدی و بارور کننده را معنا می بخشد. در تصاویر مربوط به دوره ساسانی تصویر قو در ترکیب با نقوش هندسی بارها و بارها به کار رفته است. (تصویر ۱۲) قو مظهر پاکره آسمانی است که با آب یا خاک دریاچه و یا شکارگر آبتن می شود و همانا اشاره به وصلت مقدس آسمان و زمین در مصر باستان دارد. در این جا سخن از نور قمری، شیری رنگ و لطیف پاکره اسطوره ای است.

این مفهوم از نماد قو در میان تمام اقوام اسلاوی،



تصویر ۲۲- کاشی لعاب دار، کاشان، حدود ۶۶۸ ه.ق. ماخذ: کن بای، ۱۳۷۹، ۳۰

و آهنگ خوش آن، استعاره از زن دانسته اند». (گربران، ۱۳۸۳، ج ۴، ۵۴۲) نقش کبوتر در همه ادوار هنری ایران به ویژه در دوره ساسانیان دیده می شود. (تصویر ۱۳) در تصویر ۱۱ و ۱۵ نیز استفاده از کبوتر در لابه لای درختان به خوبی قابل مشاهده است.

خروس

«نشانه غرور و نماد خورشیدی است، چرا که بانگ این حیوان طلوع خورشید را نوید می دهد. از سویی نقش راهنمای ارواح و پیک خدایان را نیز دارد. خروس اغلب با مار مقایسه می شود. در تحلیل رویاها، مار و خروس هر دو به عنوان نماد زمان تفسیر شده اند و همانا نشانه مرحله ای از تغییر درونی هستند». (گربران، ۱۳۸۳، ج ۳، ۵۴) این نقش در میان زربفت های ساسانی دیده می شود. (تصویر ۱۴)

طاووس

«این جانور در کنار آن که نماد خودنمایی و خود فروشی به شمار می رود مقدم بر همه صفات، نمادی خورشیدی است که برآمده از دم چتروار آن است. از سوی دیگر می توان چنین گفت که همذات پنداری مار با آب یعنی برطرف کننده حرارت، خویشاوندی طاووس با خورشید، عنصر آتش را تایید می کند که با رنگ قرمز مرتبط است». (دوبوکور، ۱۳۷۳، ۲۸) (تصویر ۱۵)

وجود نقش طاووس در پارچه های زربافت ساسانی، و نیز مینیاتورها و نقاشی های قاجاری، در کاشی های هفت رنگ، قالی ها و فلزکاری ها (تصویر ۱۶)، موید تداوم حضور این نقش در هنر ایران است. با این که می دانیم طاووس مرغ بومی مناطق ایران نیست.

«از سویی طاووس را نماد زیبایی و قدرت و همچنین نماد دگرپرسی و جاودانگی (همچون مار) دانسته اند. در خاورمیانه نماد روح فسادناپذیر و دوگانه بودن روان انسان



تصویر ۲۰- نگاره ای از کتاب معراج نامه هاله دور سر، هرات یا سمرقند، ۱۴۲۰ م، محل نگاره داری موزه پاریس، ماخذ: پاکبان، ۱۳۷۹، ۱۰۰



تصویر ۲۱- سفال با نقش چلیپا و چلیپای شکسته از شوش، ۵ هزار ق.م، موزه شوش، ماخذ: رفیعی، ۱۳۷۷، ۵۸

اسکاندیناوی، ایرانی و ترک آسیای صغیر رواج داشته است». (گربران، ۱۳۸۳، ج ۴، ۴۶۴)

کاربرد این نقش در دوره های مختلف رواج داشته است به ویژه با دقت بر دیوارنگاره ها و ظروف سیمین و زرین دوران ساسانی می توان به استفاده فراوان از نقش این حیوان پی برد.

کبوتر

«نماد عشق، بهار، سادگی و خلوص، صلح، هماهنگی، امید و خوشبختی است. کبوتر را نشانه گوهر زوال ناپذیری و روح دانسته اند. اغلب این پرنده را به جهت زیبایی، سفیدی



تصویر ۲۵- رشته مروارید در نوک دو مرغ، نقشی بر دیوار در بامیان
افغانستان، ماخذ: مقدم، ۱۳۸۰، ۱۲۷



تصویر ۲۳- لره های خمسه، ۱۹۰۰، تمام پشم، ۲۲۰×۱۴۶، ماخذ:
تتاولی، ۱۳۸۳، ۵۳



تصویر ۲۶- دیوارنگاره بدی ستوه زیبا، بامیان افغانستان، سده
۶-۵ میلادی، ماخذ: پاکبان، ۱۳۷۹، ۳۴



تصویر ۲۴- زابیش مهر از میان صدف، نقشش مهربابه چپل هیل
در انگلستان، ماخذ: مقدم، ۱۳۸۰، ۱۲۵



تصویر ۲۷- سکه های دوران ساسانی. که در آن نقش پادشاهان
در حالی که مروارید به گوش دارند تصویر شده است. ماخذ:
www.cais-soas.com



تصویر ۲۹- زایش مهر از میان گل نیلوفر، از مهرابه ای نزدیک هدرنهایم، آلمان، ماخذ: مقدم، ۱۲۸۰، ۱۲۸.



تصویر ۲۸- شاهنامه تهماسبی، سده ۵۱۱ ه.ق، بخشی از یک نگاره که در آن از مروراید در سربند زنان استفاده شده است.



تصویر ۲۰- نقش برجسته از گل ۱۲ پر، شیر و گاو، ماخذ: رویتز، ۱۳۳۷، ۸۲.

باره اصحاب کهف به وفادار بودن این حیوان نیز اشاره داشته و ظهور نقوش مختلف مربوط به این حیوان در طیف وسیعی از نقشمایه‌های عشایری به ویژه در قالی‌ها و گبه‌ها در سرتاسر ایران قابل ره‌گیری است و این مسئله دلالت جدی بر اهمیت این حیوان در زندگی و باور مردم عشایر و روستایی دارد.

مار

«این حیوان نماد جاودانگی و نامیرایی است چرا که همچون خط نه شروعی دارد و نه پایانی و احساس می‌شود که در دو سو و در بی‌نهایت مادی ادامه دارد. این حیوان مخزن تمام نهانی‌ها و خزائن زیرزمینی است. این حیوان دو جنسی است، همزاد با خودش، می‌میرد و از خویشتن خود، دوباره متولد می‌گردد از این رو به معنای زندگی دوباره و حیات جاودانگی است. مار در هم پیچیده و حلقه زده نشان از تغذیه کردن این حیوان از دم خویشتن دارد. مار نشانه سلامتی و درمان و باروری است. این حیوان تجسم نیروی خیر و شر در کنار یکدیگر است زیرا نشان از عقل دارد و در عقل هر دو نیرو نهفته است. از نشانه‌های نمادین مار همان طور که اشاره شد نقش درمان‌گری و حیات بخشی آن است که این مفهوم به عنوان یک نماد جهانی امروزه تشکیل دهنده آرم سازمان نظام پزشکی است و بر سر داروخانه‌های همه نقاط جهان نقش بسته است. در واقع مار پزشک نیست بلکه علم پزشکی، و دارای روح درمان‌گر است.» (دوبوکور، ۱۳۷۳، ۴۳) در تصویر ۱۱، دو مار که به دور درخت حلقه زده‌اند، دیده می‌شوند.

گاو

«در داستان‌های آیین مهری آمده میترا در آغاز با خورشید پیمان بست و متحد شد، سپس گاوی زورمند را در یک نبرد طولانی به بند کشید و به غاری برد. اما گاو از غار گریخت. میترا با یاری کلاغ (بیک خورشید یا اورمزد) گاو را یافت و به غار برد و با ضربت خنجر او را کشت. از محل جاری شدن خون گاو، خوشه‌های گندم روید و درخت انگور و سایر گیاهان پدیدار شدند. (تصویر ۱۷) به موجب روایات تصویری، کشتن گاو به وسیله مهر، در غاری روی داده و این کار، ممیزه اساسی آیین است و بدون استثنا در تمام مهرابه‌ها در انتهای آن، نقش کشته شدن گاو به دست مهر، چه به صورت نقاشی و چه نقش برجسته وجود دارد. مهر ناجی مردم بوده، و برای رهایی آنان گاو را می‌کشد و خود با حواریونش به آسمان بالا می‌رود.» (آموزگار، ۱۳۸۷، ۸۴ - ۸۷)

در ایران باستان به ویژه عصر اوستایی سال به دو فصل تقسیم می‌شد. تابستان (هم Hama) و زمستان (زین Zayana) عید نوروز جشن آغاز تابستان و مهرگان جشن آغاز زمستان بود. بنابراین به نظر می‌رسد مهرگان بایستی از سلسله جشن‌های طبیعی باشد که به تغییر و تبدیل فصول وابستگی دارد. میان بسیاری از اقوام و ملل باستان،



۳۱- نقش برجسته داریوش، ماخذ: همان، ۹۲

است. در اسلام، نمادی کیهانی است که هنگامی که چتر می‌زند، علامت کیهان و یا قرص کامل ماه و یا خورشید در سمت الرأس است. در سنت عرفانی، نماد تمامیت است چرا که تمام رنگ‌ها در دم باز شده او به صورت چتر جمع آمده است.» (گربران، ۱۳۸۳، ج ۳، ۵۴)

سگ

«نماد پیچیده سگ، در نظر اول وابسته به عناصر سه گانه خاک، آب و ماه است، که همانا دارای مفاهیم پنهانی و زنانه است به این معنا که هم نباتی و جنسی، و هم پیشگویانه و بنیادین، هم به معنای ناخودآگاه و هم به معنای نیمه آگاه و خودآگاه است. اولین کاربرد اسطوره‌ای سگ که در سراسر جهان شناخته شده است، همانا وظیفه راهنمایی ارواح است. یعنی پس از آن که در زندگی همراه انسان بوده، در شب مرگ نیز راه بلد اوست. در ایران همراه و هدایت کننده مردگان به سوی آسمان یا جهنم بوده است. آنان میانجی این دنیا و دنیای دیگر هستند.

به طور کلی سگ شامل نمادهایی متناقض است، چرا که از یک سو نماد قدرت جنسی، بقای نسل، عالم به دنیای بعد از مرگ، نشانه قوه حیات، و از سوی دیگر نماد فریبندگی و وسوسه‌گری، پیوند نامشروع و به ویژه در اسلام در کنار اعتقاد به وفاداری و صبوری او معنای متناقض شکمبارگی، ولع و جنون که اغلب با سگ سیاه ظاهر می‌شود نیز وجود دارد.» (گربران، ۱۳۸۳، ج ۳، ۵۴) روایات و آیه قرآنی در

۱- Ishtar : ایزد بانوی عشق و جنگ که از اساطیر آشوری و بابلی است. همتای اینانا، سیار ونوس، در سوریه و فلسطین، عشتارت و عشتارت نام دارد. تلفظ دیگرش عشتراست. —————
www.Britanica.com

۲- Tammuz : معادل سومری آن Dumuzi است که ایزد شبانی در اساطیر سومری در لغت به معنای «فرزند راستین یا مومن» است. —————
www.Wikipedia.com

۳- Isis : ایزدبانو، مادر سرزمین مصر که در اساطیر ایشان خدای باروری و طبیعت است. دختر توت، خواهر و همسر ازیریس و حامی مردگان و بازماندگان از مرگ می باشد. (هال، ۱۳۸۳، ۳۳۱)

۴- Osiris : خدای اصلی اساطیر مصر که مظهر تمدن قدیم آن می باشد، پسر آسمان و زمین و اولین خدایی که بر روی زمین ظاهر شد و بر آدمیان حکومت کرد. او تنها ایزدی است که با آیین خورشیدی رع به ستیز برخاست. وی ابتدا خدای طلب و زناشویی و گشت گندم به شمار می رفت. پس نشانه تداوم زایش و بارزایی شد. او مظهر پاکی و ارزش اخلاقی است، به دلیل هوشمندی اش جادوگری بزرگ به شمار می رود. او را گاه با تاجی متشکل از دو شاخ گاو و کره خورشید تصویر کرده اند. (هال، ۱۳۸۳، ۳۳۰)

۵- Attis : خدای باروری و همسر Cybele در اساطیر فریجی. —————
(www.Britanica.com)

۶- Adonis : از اسطوره های یونانی و روحی تجسم و تصویر وی مرد جوان زیبا و خوش اندام و سخاوتمندی است که عاشق آفرودیت Aphrodite (ونوس) می شود. در ————— اور یونانیان مظهر مرگ و تجدید حیات است. شکارچی زیبا و ماهر به معشوق زمینی آفرودیت که نهایتاً با ضربه مارس (آریس) که به شکل گراز می آمده بود کشته شد. —————
(www.Britanica.com)



تصویر ۳۴- طرح هایی خطی از نقش گل شاه عباسی در طراحی سنتی

غلبه کرده و او را می کشد. همچنین شیر بر گاو غلبه کرده و در واقع تابستان بر زمستان فائق می آید... آن چه از پیکار شیر و گاو مورد اشاره قرار گرفت را می توان در ادوار مختلف در نمونه های تصویری ایرانیان مشاهده کرد. از جمله آن نقش برجسته معروف هخامنشی است که در قسمت تلاقی راه پله های شرقی و شمالی تالار آپادانا دیده می شود و محققان آن را تنها نقش برجسته از روبه روی دوران هخامنشی می دانند. (تصویر ۱۸ و ۲۹)

نکته مهم در این نقش برجسته این است که اثری از کشته شدن گاو نیست و به نوعی نقش همچون یک چرخه که بر تغییر فصول و برتری یافتن یک نماد بر دیگری دلالت دارد، تصویر شده است. از سوی دیگر با توجه به داستان کشتن گاو و پیدایش همه رستنی ها از آن می توان به نمادین حیوان به عنوان نشانه باروری که در همه ادوار از نمادهای به کار رفته در نقوش تزئینی سفالینه ها و در عین حال از حیوانات برجسته هنر هخامنشی اشاره کرد.

خورشید- نور

«در اغلب تصاویر قربانی کردن گاو مشاهده می شود که در بالای سر فرد قربانی کننده که کلاه مهری بر سر دارد، دو فرد که یکی کلاه خورشید و دیگری کلاهی به شکل ماه بر سر دارد، حضور دارند. همچنین در بعضی تصاویر



تصویر ۳۲- نقش اردشیر دوم، در گوشه سمت چپ مهر با نوری به دور سر در حالی که بر روی گل نیلوفر ایستاده است.

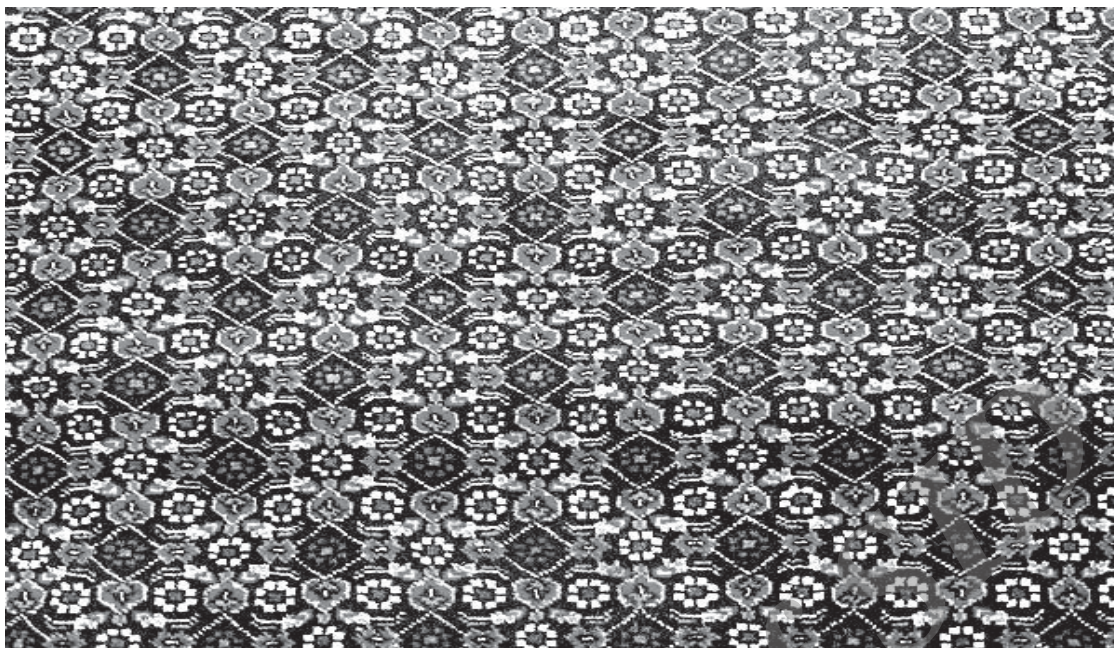


تصویر ۳۳- نقش گل نیلوفر بر روی ستون های طاق بستان، ساسانیان

توجیه و تحول و تفسیر فصول در طبیعت و انقلابات طبیعی و جوی و دگرگونی عناصر، در ضمن اسطوره ها و افسانه ها بیان شده اند. (بهار، ۱۳۷۵، ۶۲)

در اساطیر بابلی، افسانه «ایشتار»^۱ و «تم موز»^۲، و در اساطیر مصری، افسانه های «ایزیریس»^۳ و «ازیریس»^۴ و افسانه هایی دیگر چون روایات «آتیس»^۵ و «آدونیس»^۶ از این گونه اند که جشن هایی به نام شان نام گذاری شده و هر ساله طی مراسم باشکوهی برگزار می شد. بعدها این وجه ممیزه مهری، در اروپا و میان مهری دینان آشکار گشت، چون هر ساله در آغاز بهار ضمن مراسم و جشن، گاو قربانی می شد. در روایات پهلوی قربانی کردن گاو، نخستین کنایه از آغاز بهار و فصل رویش گیاهان و جنبش و زندگی است، چون از روان شدن خون گاو بر روی زمین بود که گیاهان رویدند و جانوران پیدایش یافتند. چنان که رابطه قربانی گاو و میترا را در روایات و دایمی نیز مشاهده می کنیم. (آموزگار، ۱۳۸۷، ۸۴ - ۸۷)

در نقوشی که از ایام کهن در این باره به دست آمده شیری را نشان می دهد که در پیکار بر گاو غلبه یافته که اشاره به سپری شدن زمستان و آغاز تابستان دارد. می دانیم که شیر نشانه خورشید و میترا و گاو نماد زمستان و سرما است و در روایات اساطیری درباره میترا آمده وی بر گاو



تصویر ۳۵- قسمتی از یک قطعه فرش با نقش هراتی که ماهی ها در چهار طرف شکل چهارخانه، تبدیل به چهار شکل برگ مانند شده اند.



تصویر ۳۶- نمونه فرشی از همدان با طرح ماهی در هم، ۱۴۲×۱۰۲ cm،
موزه Fur Kunst und Gewerbe، ماخذ: SABAHİ، ۲۰۰۷

در مرتبه ای پایین تر، در دو طرف پیرمهری قرار دارند، که این موضوع اشاره به مقدس بودن آتش دارد و به صورت نگهبان در اطراف مهردینان مشاهده می شوند. (تصاویر ۳ و ۱۷) همچنین در روایات آمده است مهر چون زاده شد ابتدا برای توفیق در کارهای خود، با خورشید به مبارزه برخاست، او را مغلوب ساخت و خورشید هاله ای از نورگرد سر وی نهاد و متحد او گشت. در واقع با این جدال

چندین فرد با کلاه مهری تصویر شده اند که یکی از آن ها مشغول قربانی کردن و باقی نظاره گر مراسم هستند. از این رو می توان این گونه گمان برد که فردی که با کلاه مهری در وسط تصویر نمایانده شده و مشغول قربانی کردن گاو است پیر یا پدر مهری است و افراد دیگر که در اطراف او قرار دارند از پیروان مهر می باشند که نظاره گر و شاهد انجام مراسم هستند و دو فرد تصویر شده در بالای مهر است که کلاهی از خورشید بر سر دارد و حامی پیروان مهری است و می بینیم پیرمهری در هنگام قربانی کردن، نگاه سوی او دارد که می توان این عمل او را نشانه اجازه خواستن برای شروع مراسم و یا درخواست کمک از مهر تعبیر کرد. و در طرف مقابل و روبه روی او فردی قرار دارد که از نظر آرایش مو و خطوط صورت به دوشیزه و اندام زنی مشابهت دارد که می توان از آن به آناهیتا یا ناهید تعبیر کرد که از الهگان بزرگ و قابل احترام دین مهری بوده است و در برخی روایات او را مادر مهر می دانند. (تصویر ۱۷) او نیز که تاجی از ماه بر سر دارد، به عنوان یاریگر و منجی فرد مهری حضور دارد». (مقدم، ۱۳۸۰، ۶۸) همچنین حضور ماه و خورشید به صورت دو نماد از روشنایی در این تصاویر نیز قابل تشخیص است که احترام مهردینان را به نور نشان می دهد. نور گرم که از خورشید می آید و نشانه مهر است و نور ماه که نشان از نور سرد و با آب ارتباط دارد نمادی از آناهیتا یعنی الهه آب است. در آثار ایرانی دوره های بعد استفاده از دو نماد خورشید و ماه به وفور دیده می شود که در ادامه چند نمونه از آن ها مورد اشاره قرار می گیرد.

همچنین در برخی تصاویر افراد دیگری مشعل به دست

این تقدس آتش و روشنایی را همواره در نمادپردازی ایرانی می توان دید. هاله دور سر، نمایش آتشی در نگاره هایی چون «معراج پیامبر» که توسط سلطان محمدنقش شده و همچنین نقوش کتاب های «معراج نامه»، «مجمع التواریخ» به تصویرگری حافظ ابرو، «خاوران نامه» به رقم فرهاد که همه متعلق به دوره تیموری می باشند نیز قابل مشاهده است. (تصاویر ۱۹ و ۲۰)

در واقع می توان گفت استفاده از هاله دور سر نخست از ایران وارد سرزمین های مسیحی یعنی بیزانس و تصویرگری مسیحی و هندی- بودایی شده، سپس مدتی به فراموشی رفته و دوباره در دوره ساسانیان توسط پیروان مانی که به منطقه تورفان پناه برده و تحت تأثیر هنر بودایی-یونانی قرار گرفتند وارد ایران شد. (پاکبان، ۱۳۷۹، ۶۶) اما در دوره اسلامی برای ایجاد تمایز میان هنر تصویرگری اسلامی از مسیحیت و نمایش تقدس از هاله ای به شکل آتش به جای هاله گرد استفاده می شد، که پیش از این به نمونه هایی از آن اشاره گردید.

در این تصاویر هنرمند ایرانی شعله های آتش را اغلب برای نشان دادن وجه تقدس امامان و برگزیدگان خداوند به کار می برد. از سویی استفاده از نقش خورشید و یا شکل آریایی آن که در بخش چلیپا به آن اشاره خواهد شد، یکی از نقوشی است که در دست بافته های ایران به وفور مشاهده شده و در ادامه به چند نمونه از آن اشاره می گردد.

چلیپا

«از دیگر نمادهای مهری است، نمادی جهانی است و در چهارگوشه جهان دیده می شود. چلیپا نماد «هوآشتی» یا «آشتی بزرگ» (صلح اکبر) و برادری و یگانگی میان همه جهانیان است.» (مقدم، ۱۳۸۰، ۴۲) این نقش همواره در هنر ایرانی دیده می شود به شکل های مختلف در سفالینه، نقاشی دیواری، پارچه بافی، آجرکاری، گچ پری و غیره به نمایش درآمده است. تصویر ۲۱، سفالینه ای را با نقش چلیپا و چلیپای شکسته با قدمت ۵ هزار ق.م نشان می دهد و تصویر ۲۲ مربوط به کاشی کاری لعاب دار مربوط به دوره ایلخانی است که در آن نقوش شمس و چلیپایی با هم ترکیب یافته و در درون آن ها نقوش حیوانی نیز مشاهده می شود. این نوع کاشی کاری در کاشان آن زمان رواج فراوان داشته است.

جیمز هال صلیب را نشانه باستانی خورشید بر شاماش (شَمَش) می داند. (هال، ۱۳۸۷، ۳۷۲) تصویر این خورشید خدا به صورت چلیپایی است با دو خط متقاطع و بازوهای مساوی که در مرکز آن یک دایره قرار گرفته است. این دیدگاه در ایران نیز رواج داشت و در اساطیر مربوط به پیدایش آتش نظر مطرح بود که عنصر آتش ابتدا در دو چوب وجود داشت که به صورت چلیپا بر روی هم قرار می گرفتند و از آمیزش این دو قطعه چوب آتش آفریده می شد. (هال، ۱۳۸۷، ۱۹۸) «در گذشته از سایش دو چوب بر هم



تصویر ۲۷- سکه تیگران شاه ارمنستان، کتیبه ای در پیرامون، شمال ایران، ۹۰۶ تا ۹۵۷ م.ق، موزه ویکتوریا، آلبرت، لندن مآخذ: رفیعی، ۱۳۷۷، ۲۴۴



تصویر ۲۸- بشقاب سفالین دارای نقش سیاه و لعاب سبز رنگ و تزئین مآخذ: مقدم، ۱۳۸۰، ۱۷۱

مهر از خورشید برکت می گیرد و این نعمت چیزی جز نور نیست که همواره با میترا می ماند و در آخر نیز سوار بر گردونه خورشید به سوی آسمان می رود. «مهر در متون ایران باستان خدای پیمان است و وظیفه اش نظارت بر پیمان هاست و با هرکسی که پیمان را بشکند به دشمنی بر می خیزد که در این صورت تبدیل به خدای جنگ می شود. در مهریشت که سرود ویژه مهر است، توصیف های زیادی از این ایزد می گردد او پس از خورشید ظاهر می شود و همراهی او با خورشید باعث شده که کم کم مهر خورشید را پیدا کند، مهر همراه با خورشید از مشرق به مغرب می رود و پس از فرو رفتن خورشید به زمین می آید و بر پیمان ها نظارت می کند و برای بهتر انجام دادن چنین وظیفه ای صفت خدای همیشه بیدار را دارد.» (آموزگار، ۱۳۸۷، ۱۹-۲۰)

۱- Shamash شاماش که رب النوع آفتاب است که نزد بابلیان چنین خوانده می شود (ایران باستان، پیرنیا (مشیر الدوله)، ج ۱، ۵۴) شمش «مغان عهد ساسانی که» مهر را ستایش می کرده اند در اصل همان میتراست که در یشت های عتیق ذکر شده است و همان است که بابلیان آن را با «شمش» خدای آفتاب خودشان یکی دانسته اند. (کریستن سن، ۱۳۷۲، ۱۶۵)

نهاد، چلیپاوار، یا پاره های سنگ آتش به وجود می آمد، به همین دلیل بیش تر پرستش گاه ها و آتشکده ها به صورت چلیپاگونه ساخته شده اند.» (بختورتاش، ۱۳۸۶، ۳۰)

«از آن جا که چلیپا به معنای خورشید است و در اوستا مهر ایزد فروغ و روشنایی و عهد و پیمان و دلیری است و مرتبط باخورشید، می توان چنین نتیجه گرفت چلیپا نیز یکی از نمادهای مهر است.» (باقری، ۱۳۸۷، ۱۴۳) این نقش نیز همچون خورشید به وفور در بافته های ایرانی به ویژه گبه ها دیده می شود. (تصویر ۲۳)

مروارید

از دیگر نقوش مهم و تصویر شده در یادمان های مهری می توانیم به دانه ها یا رشته های مروارید که گاه در نوک یک یا دو مرغ دیده می شود و یا نقش دلفین، ماهی، صدف، نیلوفر و چلیپا اشاره کرد. «زایش مهر از میان صدف در نقشی از پرستشگاه مهری از «چپل هیل» انگلستان دیده می شود در این نقش در زیر صدف، آب دریا تصویر شده و روی آب پیکر عریان مهر در یک قاب از میان دو بخش از یک صدف بیرون می آید که دور تا دور آن یک قاب قرار گرفته که دوازده برج بر روی آن نقش شده است. (تصویر ۲۴) در تصاویر دیگری نیز از جمله دیوار «بامیان» افغانستان یا دیگری در ترکستان چین یا در «ورخش» در شمال خراسان که همه در دل سرزمین های مهری هستند نقوش مروارید، دیده می شود.» (مقدم، ۱۳۸۰، ۷۶) (تصویر ۲۵ و ۲۶) استفاده از مروارید به عنوان یک عنصر ترتیبی را می توان در دوره های بعد نیز مشاهده کرد، برای مثال در دوره ساسانی گذشته از سکه هایی که تصویر پادشاهان در آن ها مزین به گوشواره نشان داده شده است، (تصویر ۲۷) در بسیاری از موزاییک کاری ها و نقاشی های دوره های بعد هم به ویژه مکتب عباسی (به عنوان نمونه در کاخ جوسق الخاقانی که کاملاً تحت تاثیر ساسانی ها بودند) می توان این عنصر ترتیبی را بر روی پیکره رقصندگان و زنان، مشاهده کرد. این روش در دوره های بعدی مکاتب نگارگری ایران اغلب به عنوان ترتیبیات سربند و یا گوشواره های زنان متداول بوده است. (تصویر ۲۸)

«کبوتر در این نقش ها شاید نماد آشتی بزرگ میان مردمان باشد که همانا هدف دین مهر بوده، یا نماینده فرسوشیانس باشد. فرسوشیانس در کالبد مرغ نیز در داستان تممید عیسی توسط یحیی در رود اردن آمده است که حتی استفاده از نقش کبوتر را می توان در نقاشی های مسیحیت نیز مشاهده کرد که دلالت بر حضور آیین مهر و تاثیرگذاری آن بر دین مسیحیت بوده است.» (مقدم، ۱۳۸۰، ۳۷)

گل نیلوفر

«اما این زایش خود از طریق گل نیلوفر رخ می دهد که همین گل نیز از نمادهای مهم مهر است. نقش گل نیلوفر که گیاهی است مناسب برای نگه داری فرسوشیانس، که در تالاب یا دریاچه دیده می شود نیز در نقش های مهری وجود

دوره ها به تعداد زیاد نقش شده است. (تصویر ۳۴)

ماهی

پس از مروارید و صدف بهترین نماد برای نگه داری و پرورش تخمه سوشیانس در آب، دلفین است که ماهی بی آزاری است، دارای شباهت بسیاری از نظر احساسات به انسان است و از این رو همین دلفین پس از زایش مهر در آب، او را به خشکی می رساند. (همان، ۵۶)

همان طور که پیش تر هم اشاره شد ماهی نیز از طرح های مهم مهری است و همچنان از نقوش مهم به کار رفته در طرح پردازی فرش و سفالینه و دیگر آثار ترتیبی ایرانی به شمار می رود. به عنوان مثال یک دسته بسیار مهم از طرح های ایرانی که تقریباً در سراسر ایران پراکنده شده است، طرح هراتی^۲ می باشد که همان طرح «ماهی درهم» است. این طرح از آن رو که در دوره تیموری و در مکتب هرات رواج فراوان یافت به این نام معروف شد. از این طرح در معماری، فرش، سفالینه ها و ظروف متعدد استفاده شده و هم اکنون نیز رایج است. اصطلاح ماهی درهم عامیانه است و به درستی مشخص نیست از چه زمانی برای این طرح که یکی از اشکال ویژه هراتی محسوب می شود رواج یافته است. اساس طرح هراتی که گونه ای از آن ماهی درهم است، دو ماهی و یک گل گرد در وسط است که معمولاً همان گل هشت پر می باشد. (تصویر ۳۵-۳۶) در دوره اسلامی به دلیل افول و کاهش استفاده از نقوش حیوانی، ماهی ها به برگ تبدیل شدند چرا که در این دوره سجده بر فرش یا سجاده ای که در آن نقش جانوری داشت، مردود شمرده می شد. اگر چه همین نقش گل که در وسط به کار می رفته در اصل طرح صورت و یا چهره ای از انسان بوده که تبدیل به گل شده است. بنیاد نقشه های هراتی دو برگ خمیده می باشد که گل بزرگی مانند یک گل شاه عباسی یا گل نیلوفر را در میان گرفته است. مطالعات تاریخی نشان می دهد نقش هراتی هم به ایران باستان و آیین مهر رهنمون می شود که در آن برخی از روایات و مناسک و آثار با آب ارتباط دارد. (حصوری، ۱۳۸۹، ۲۴-۳۸)

Chapel Hill-۱

۲- طرح هراتی به طریقی گفته می شود که نمای آن بر اشکال چندضلعی که در اطراف آن ماهی یا گل های ریز نقش بسته گذاشته شده است و در اغلب مراکز فرش بافی ایران به نام نقش «ماهی» بافته می شود. در نواحی همدان و سنجند این نقش را «ماهی زنبوری» می نامند و بافت این نقش در شهرهای مشهد، قائن، یزد، بیجار و حتی در میان قبایل بلوچ نیز رواج دارد. (زایه، ۱۳۷۴، ۲۳۲)

وسط آن قرار گرفته است درست همان طور که در مورد نقش دو دلفین ذکر آن رفت. این نقش حتی در زمان اوج آیین مهری بر روی سکه نیز ضرب شده است». (تصویر ۲۷) (ورمازن، ۱۳۷۵، ۵۳) وجود نقش ماهی در سفالینه های شهرضا، میبد از مناطق مرکزی و حواشی کویر ایران و حتی در مناطق شمالی ایران که با کم آبی مواجه نیستند، در ادامه سنت های محلی نقش پردازی است که از یک سو معرف اهمیت آب به ویژه در مناطق خشک و کویری می باشد و از سوی دیگر بیان گر تداوم حضور نمادهای تصویری مهر در ایران است. (تصویر ۲۸)

«همچنین گاه از نقش ماهی در ترکیب با دیگر حیوانات استفاده شده که خود آن ها نیز از نقشمایه های مهری هستند. از آن میان می توان به نقش مرغ و ماهی اشاره کرد. در این طرح یا دو مرغ به جای دو ماهی درهم به کار رفته است و یا همراه با دو ماهی به دور یک حوض و در حال حرکت به نمایش درآمده اند». (زاویه، ۱۳۷۴، ۲۳۲)

«بررسی های تاریخی به وجود طرحی بر روی تاجی به دست آمده از تیگران اشاره دارد که ملقب به کبیر پادشاه ارمنستان در سال های ۸۹-۸۶ قبل از میلاد می باشد و بر روی آن نقش دو پرنده وجود دارد که یک گل هشت پر در

نتیجه

آیین مهر که در سده نهم قبل از میلاد با زاده شدن مهر در ایران آغازگردید به سرعت در سرتاسر خاورمیانه و اروپا منتشر شد. این آیین نیز همچون هر آیین بزرگی از بدو تولد جهان شروع و پس از طی مراتبی که برای مومنان خود در نظر گرفته، عاقبت آنان را برای سعادت مندی و پایبندی به تعالیم و ذکر پیوند می زند. آیین مهر و سنت تصویری آن را می توان از مهرابه های باقی مانده در اروپا شناسایی کرد. عناصر تصویری این مهرابه ها از یک سو در پیوند با مراحل هفتگانه تعالی مهری هستند و از سوی دیگر روایت گر پیدایش مهر و نمادهایی می باشند که در پس آن ها مفاهیمی نهفته است و با انسان و زندگی و آرمان او ارتباط دارد. همین وابستگی و پیوند انسانی مفاهیم مهری است که باعث شده پس از گذشت سده ها و ظهور ادیان آسمانی بزرگ، نمادهای بصری مهری با گذر از استحاله معانی، حامل مفاهیمی مسیحی و یا اسلامی باشند. نقش شیر در ترکیب اسدالله که اشاره به حضرت علی ابن ابیطالب (ع) دارد در سنت شیعی و یا خورشید و چلیپا در میان مسلمانان و مسیحیان و به ویژه در هنر ادوار گوناگون سرزمین ما و یا مروارید که حامل تخمه پاک آب هاست از گوشواره های شاهان ساسانی تا نیم تاج ملکه های اعصار معاصر در کنار نقش ماندگار گل نیلوفر و رواج انواع گل های تزئینی در هنر ایران که پایه و اساس طراحی آنان لوتوس مقدس مهری است، نشان می دهد هرچند مفاهیم نخست این نقوش در طی دوران دچار دگرگونی شده اند اما بقای آن ها و توجه به اهمیت تصویری شان نشان گر آن است که هر نقش مهری حامل مفهوم و معنایی غیرمادی، اسطوره ای و انسانی و اخلاقی بوده است، معانی ای که به فضایل انسانی اشاره داشته و در گذر زمان توانسته به هنر ادیان آسمانی وارد شده و جایگاه سنتی در میان آن ها برای خود بیابد. هنر تصویری ایران در این بین با مجموعه ای نفیس از آثار نگارگری، نقش برجسته، سفالینه، ظروف سیمین و زرین و قالی های الوان، بستری ماندگار و وسیع برای حفظ نمادهای مهری بوده است. از مقایسه تطبیقی میان نقوش طبیعی و تکرار آن ها در دوره های بعدی می توان چهار محور زیر را شناسایی کرد:

- ۱- نقوش موجودات، عناصر و اشکالی مانند شیر، طاووس، کبوتر، مروارید، خورشید، ماه، یا، چلیپا، چراغ و غیره در هنر ایران از سنت های مهری سرچشمه می گیرند.
- ۲- حضور نقوش مورد اشاره در دوره های بعدی حامل همان معانی و مفاهیم مهری نیستند، بلکه در گذر زمان دچار استحاله و دگرگونی شده اند.
- ۳- حذف برخی از نقوش مهری مانند کلاغ و سگ در ادوار بعدی هنر ایران مربوط به تفاوت های

مفهومی ای است که در آیین‌های بعدی نسبت به این موجودات به وجود می‌آید.
۴. در هنر تزئینی دوره‌های بعدی به مرور نمادهای رمزی پیچیده‌تر و حامل مفاهیم متعالی‌تر گردیده و در مقابل نمادهای مهری فقط به صورت تزئینی به کار می‌روند و گاه نیز مفاهیم جدید را به همراه مفاهیم پیشین در خود جای می‌دهند. مانند چراغ و شیر.

منابع و ماخذ

- اباذری، یوسف، زهادپور، مراد، ولی، وهاب، ادیان جهان باستان، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.
- استراوس - لوی، اسطوره و معنا، ترجمه شهرام خسروی، ۱۳۸۰.
- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، موسسه انتشارات حکمت، بختورتاش، نصرت ا...، گردونه خورشید یا گردونه مهر، نشر آرتامیس، تهران، ۱۳۵۶.
- باقری، مهری، دین‌های ایران باستان، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۷.
- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، نشر آگه، تهران، ۱۳۷۵.
- بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۳.
- پاکباز، رویین، نقاشی ایران، نشر نارستان، تهران، ۱۳۷۹.
- تذهیبی، مسعود، شهبازی-فریده، نقشمایه‌های ایرانی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۴.
- تناولی، پرویز، گبه هنر زیر پا، انتشارات یساولی، تهران، ۱۳۸۳.
- حامی، احمد، بغ مهر، چاپ داورپناه، تهران، ۱۳۵۵.
- حصوری، علی، مبانی طراحی سنتی در ایران، نشر چشمه، ۱۳۸۹.
- خوردشیان، اردشیر، پارسه (تخت جمشید)، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۹۰.
- خاوران‌نامه، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.
- دوبوکور، مونیک، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- دویتز، ورنر فلیکس، ماتیسون، سیلویا، پارسه (تخت جمشید)، تدوین فرامرز غنی، انتشارات یساولی، تهران، ۱۳۷۷.
- دولت آبادی، هوشنگ، جای پای زروان، نشر نی، ۱۳۱۱.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، یونان باستان (جلد دوم) ترجمه امیرحسین آریان‌پورو دیگران، سرویراستار، محمود مصاحب، چاپ ششم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- رزسگای، ماری، معراج‌نامه، ترجمه مهناز شایسته فر، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵.
- رضی، هاشم، آیین مهر، میترائیسم، انتشارات بهجت، تهران، ۱۳۷۱.
- رفیعی، لیلا، سفال ایران، انتشارات یساولی، تهران، ۱۳۷۷.
- زاویه، سعید، شعر و فرش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده در دانشگاه هنر، ۱۳۷۴.
- عفیفی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، انتشارات توس، ۱۳۷۴.
- شاهکارهای نگارگری ایران، فرهنگستان هنر با همکاری موزه هنرهای معاصر، تهران، بهار ۱۳۸۴.
- شهبازی، علیرضا شاهپور، فیلم پارسه، بنیاد پژوهشی پارسه، پاسارگاد، ۱۳۸۱.
- کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۲.



- کن بای، شیلا، نقاشی ایرانی، ترجمه مهدی حسینی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۸۲.
- گربران، آلن، شورالیه ژان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودا به فضایی، انتشارات جیحون، ۱۳۷۸.
- ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۵.
- مقدم، محمد، مهر و ناهید، انتشارات هیرمند، تهران، ۱۳۸۰.
- مهر، فرهنگ، فلسفه زرتشت، دیدی نواز دینی کهن، انتشارات جامی، ۱۳۷۴.
- مهران، رحمت... آرمان های انسانی در فرهنگ ایران، نشر بی تا، تهران، ۱۳۸۲.
- مالوان، م.ا.ل. بین النهرین و ایران باستان، تهران، ۱۳۶۸.
- ورمازن، مارتین، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، انتشارات مرکز، ۱۳۷۵.
- هال، جیمز، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳.
- هوک، ساموئل، هنر و اساطیر خاورمیانه ترجمه ع.ا. بهرامی و فرنگیس مزداپور، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۰.
- هیوم، رابرت ا، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۷۶.
- یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و اشارت داستانی، تهران، ۱۳۶۹.

Hall, James, Illustrated Dictionary of Symbols In Eastern and Western Art, published by Westview press, 1996.

Layard, M. Felix, Introduction a l'étude du culte public et des mystères de Mithra en orient et en occident, par Paris, 1847.

Sabahi, Taher L'artedel Tappeto D'oriente, , Electa, Milano, 2007.

www.wikipedia.com

www.britanica.com

www.cais-soas.com (سایت کانون پژوهش های ایران باستان)